

منبع رضایت یا نارضایتی



محمد رهبری

پژوهشگر شبکه‌های اجتماعی

اینترنت امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده مردم در سرتاسر دنیاست و زندگی میلیاردها نفر در سرتاسر دنیا، به اینترنت وابسته شده است. نقش اینترنت در زندگی روزمره انسان‌ها آنچنان افزایش یافته است که برخی از پژوهشگران، اهمیت توسعه اینترنت را به اندازه اهمیت انقلاب صنعتی دانسته و تاریخ را به قبل و بعد از آن تقسیم می‌کنند. در ایران نیز مطابق با برخی آمارها، بیش از ۷۴ میلیون نفر (یعنی تقریباً تمام جمعیت بالای ۱۵ سال) در کشور از اینترنت و حدود ۸۰ درصد از جمعیت بالای ۱۸ سال از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این اعداد و ارقام به خوبی بیانگر جایگاه ویژه اینترنت در زندگی ایرانیان است و باتوجه به این جایگاه، نوع سیاست‌گذاری در مورد آن می‌تواند به ایجاد رضایت یا نارضایتی منجر شود. اهمیت اینترنت در زندگی ایرانیان تقریباً امری بدیهی است. به گواه نظرسنجی‌های معتبر، دسترسی به اینترنت جزو یکی از اولویت‌های اصلی مردم شده و تحمل قطع شدن آن برای بسیاری از مردم دشوار است. علت این امر آن است که زندگی عادی و روزمره مردم به اینترنت گره خورده است. در حال حاضر براساس برخی آمار، بالغ بر ۱۰ میلیون نفر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق استفاده از اینترنت، درآمد دارند و اینترنت به منبع درآمد و امرار معاش میلیون‌ها ایرانی تبدیل شده است. در کنار امور اقتصادی، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در جنبه‌های دیگر زندگی مردم نیز نقش ایفا می‌کنند. اکنون بسیاری از روابط روزمره مردم بر بستر اینترنت و درون پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است. اگر ارتباط و گفت‌وگو لازمه شکل‌گیری جوامع انسانی تلقی کنیم، می‌توان گفت که این جوامع در دودعه اخیر تحت‌تأثیر شکل‌گیری روابط انسانی بر بستر اینترنت، دگرگون شده است و همین امر بیانگر جایگاه ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در زندگی انسان‌هاست. در شرایطی که حدود ۸۰ درصد ایرانیان بالای ۸۰ سال از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، می‌توان گفت که بخش مهمی از روابط روزمره آن‌ها، نه از طریق گفت‌وگوی رودررو، که در فضای آنلاین محقق می‌شود. اما کارکرد شبکه‌های اجتماعی فقط تسهیل ارتباطات روزمره نیست؛ بلکه اکنون تفریح و سرگرمی بسیاری از مردم از طریق این بستر محقق می‌شود. اکنون مردم ایران، خصوصاً جوانان، روزانه ساعات زیادی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که یکی از دلایل آن، همین وجه سرگرم‌کننده آن است. علاوه بر این، حضور چندین میلیون گیم‌ر در سرتاسر کشور نیز، نشان می‌دهد که بستر اینترنت کارکردهای تفریحی و سرگرم‌کنندگی دارد. در کنار فواید زیادی اقتصادی، ارتباطی و عاطفی انسان‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، نیازمردم به اخبار و اطلاعات را نیز برطرف می‌کند؛ این امر خصوصاً باتوجه به شرایط ویژه کشور از اهمیت دوچندان برخوردار است. اکنون بسیاری از مردم، نه از طریق روزنامه‌ها یا شبکه‌های تلویزیونی، بلکه از طریق اینترنت در جریان امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خارجی و... قرار می‌گیرند و بر این اساس برنامه زندگی خود را تنظیم می‌کنند. مجموع موارد فوق نشان می‌دهد که بر خلاف تصور برخی از سیاست‌گذاران که اینترنت را کالایی لوکس و «مجازی» تصور می‌کنند، امروزه اینترنت به ابزاری برای تأمین نیازهای پایه مردم تبدیل شده است. اهمیت اینترنت در زندگی روزمره مردم، کمتر از اهمیت برق نیست و همان‌طور که قطعی آن می‌تواند زندگی مردم را مختلف کند، عدم دسترسی به اینترنت نیز می‌تواند زندگی میلیون‌ها نفر در سرتاسر کشور را مختل کند. به همین جهت است که تصمیماتی که در رابطه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی گرفته می‌شود، می‌تواند خلق رضایت یا نارضایتی کند و سیاست‌گذاران تصمیم‌گیران در این حوزه باید نسبت به ایجاد این تصمیمات آگاه باشند. اکنون دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی یک امر لوکس نیست که به‌سادگی بتوان از کنار آن گذاشت و قطعی اینترنت یا اختلال در دسترسی به آن، به اندازه قطعی آب و برق حیاتی و مهم است و می‌تواند نارضایتی ایجاد کند. برخی پژوهش‌ها دسترسی به اینترنت را به عنوان یک حق اساسی در دوران جدید مطرح کرده‌اند، زیرا اینترنت به افراد امکان دسترسی به خدمات ضروری (مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی یا فرصت‌های شغلی) می‌دهد. محرومیت از اینترنت می‌تواند احساس انزوی اجتماعی یا کاهش کیفیت زندگی را تشدید کند، که به نیازهای تعلق و احترام مرتبط است. بنابراین اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مستقیماً به نیازهای اساسی انسان مرتبط است و عدم دسترسی به آن مستقیماً بر کیفیت زندگی مردم اثر می‌گذارد. در شرایطی که امروزه رضایت شهروندان و اتحاد و همبستگی ملی به یکی از پایه‌های امنیت ملی کشور تبدیل شده است، لازم است به ایجاد تصمیمات و سیاست‌گذاری در رابطه با اینترنت و فضای مجازی بیش از پیش توجه شود؛ چرا که تکنک این تصمیمات می‌تواند بر کیفیت زندگی مردم، و در نتیجه رضایت یا نارضایتی آن‌ها تأثیرگذار. اینترنت اکنون، بیشتر از همیشه منبع جدیدی برای تولید رضایت و نارضایتی است؛ لذا باتوجه به شرایط ویژه کشور، مناسب است که سیاست‌های پیشین حاکم بر فضای مجازی از این منظر ارزیابی شود.

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: تأمین چالی، ایران

فریب یا فرصت؟ کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی دستمایه اختلاف نظرهای گسترده شده است



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

همایون شجریان شامگاه جمعه ۱۴ شهریورماه ساعت ۲۲ به‌صورت رایگان در میدان آزادی به اجرا خواهد پرداخت. همین خبر کوتاه و ساده که شاید فقط باید ذهن مردمان را درگیر این کند که آیا میل دارند وقت دارند که در چنین رخدادی شرکت کنند یا نه، در دوروز گذشته در میان ایرانیان و رسانه‌های جمعی موجی از اظهارنظرها را برانگیخته است. عده‌ای شادمان، برخی بی‌اعتنا، دسته‌ای شکاک و گروهی نیز عصبانی به‌نظر می‌رسند. این در حالی است که برگزاری کنسرت در فضاهای باز برای عموم مردم در جهان امروز امری بسیار معمولی است. اردیبهشت‌ماه امسال بود که لیدی گاگایا کنسرت رایگان در ساحل کوپاکابانای ریوی برزیل، رکورد حضور ۲/۵ میلیون نفر را شکست و یکی از بزرگ‌ترین اجراهای تاریخ موسیقی را رقم زد. یک‌سال پیش از آن نیز در همین شهر، ۱/۶ میلیون نفر از اهالی، چه در محوطه ساحلی چه در آپارتمان‌ها، هتل‌ها، قایق‌های موتوری، کشتی‌های بادبانی و همین‌طور روی شن‌ها در ساحل به تماشای هنرنمایی مدونا نشستند که در چشم‌اندازی محصور در اقیانوس، کوه‌ها و مجسمه مسیح در تپه مشرف بر شهر و از طریق ۱۸ دکل بلندگو، صدایش به گوش طرفدارانش می‌رسید. به اقتصاد محلی نیز قریب ۵۷ میلیون دلار تزریق شد. همه این حضورهای میلیونی البته هنوز به گردپای رکورد چهار میلیونی که ادا استوارت در همین شهر در ۱۹۹۴ ثبت کرد و طبق رکوردهای گینس، «بزرگترین کنسرت راک رایگان در تاریخ» است، نمی‌رسد.

کنسرت خیابانی؟ فعلاً نه

در ایران اما محاسبات به کلی متفاوت است. اینجا گاهی حتی فیلم‌هایی دست‌به‌دست می‌شود از برخورد با نوازندگان خیابانی. جز این تاکنون کسی در پی شکستن رکوردی نیز نبوده. کارناوال‌های خیابانی هم فقط در سال‌های اخیر و به مناسبت‌های مذهبی، توجیه‌پذیر شده‌اند. البته‌آنطور که محسن جبه‌پور، تهیه‌کننده موسیقی، می‌گوید در دوره‌ای بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲، تقریباً هرشب در تابستان، کنسرت فضای باز در تهران برگزار می‌شد و ایران اول این‌را نیست. با این‌همه نمی‌شود نادیده گرفت این نکته را که برگزاری کنسرتی در چنین سطح گسترده‌ای، بی‌سابقه بوده است. بسیاری البته سال‌هاست که آرزوی برگزاری چنین کنسرت‌هایی را داشته‌اند. برخی‌شان حتی این آرزوی ناکام را با خود به زیر حرورها خاک برده‌اند؛ یکی از مشهورترین‌شان حبیب که پس از بازگشت به ایران سخنی از او نقل می‌شد مبنی بر اینکه می‌تواند ۱۰ شب استاد با ۱۰۰ هزار نفری آزادی را از طرفدارانش پُر کند. حبیب به آرزوش نرسید و حتی مجوز تهیه آلبوم نیز به او داده نشد. بعتر نیز در دوره کرونا خوانندگانی چون عبدالحسین مختاباد، اجرا در فضای باز را راهی برای نجات اقتصاد موسیقی دانستند. آن پیشنهادها نیز راه به جایی نبردند تا اینکه در سال‌های اخیر بیش از همه، این همایون شجریان بود که طرح اجرای کنسرت در فضای آزاد را مطرح کرد و از آمادگی خود برای اجرای رایگان خبر داد.

هفت‌خوان کنسرت

اینک نمی‌دانیم به چه دلایلی با پیشنهاد کنسرت خیابانی همایون موافقت شده است. آنگونه که سحر فروزان، مدیر برنامه‌های همایون و عضو هیئت امنای انجمن موسیقی ایران توضیح داده است، این درخواست به ۵ یا ۶ سال پیش مربوط بوده و حتی پیش‌تر نیز در دوره‌ای مجوز آن برای اجرا در میدان آزادی و تخت جمشید صادر شده، اما نخبست اجراهای خارج از کشور، سپس اتفاقات اجتماعی ایران مانع از انجام این کار شده است. اینک اما وزارت ارشاد بار دیگر با برگزاری این کنسرت موافقت کرده؛ کنسرتی که برخی از رقم ۲۰ میلیاردی هزینه آن سخن گفته‌اند اما شجریان ضمن اعلام اینکه خودش هیچ دستمزدی از این اجرا دریافت نخواهد کرد، بدین نکته اشاره کرده که اسپانسر برنامه پذیرفته است علاوه بر طراحی نور و صدا و تصویر، دستمزد نوازندگان ارکستر «سیلوش» را نیز بپردازد. موافقت وزارت ارشاد، البته خوان اول از هفت‌خوان برگزاری این کنسرت بوده است. بعدتر وزارت کشور نیز نظر مثبتش را اعلام کرده است و حال رسیده ایم به گروه‌های سیاسی مختلف و مردمایی که هر یک از ظن خود یا ر این ماجرا می‌شوند و با تحلیل‌هایی ترکیب‌شده از علایق هنری، سوگیری‌های سیاسی،

آینده‌نگری‌های ژئوپلیتیک و ده‌ها متغیر عجیب دیگر موافقت یا مخالفت خود را با این کنسرت ابراز می‌کنند. همین میزان پیچیدگی نیز در تحلیل چرایی موافقت وزارت ارشاد با چنین رویدادی دیده می‌شود.

مخالفان: از اپوزیسیون تا جبهه پایدار

از نظر اپوزیسیون جمهوری اسلامی، اگر این کنسرت عقبنشینی حکومت از معیارهای پیشین‌اش نباشد، اسم رمز یک عملیات سفیدشویی و فریب افکار عمومی است که می‌خواهد ذهن مردم را از خطاهای بزرگ‌تر، امکان فعال شدن مکانیسم‌ها، مثلاً ۱۰۰ هزار تومانی وسایه جنگی که به‌زعم آنها هر آن ممکن است حتی به سقوط نظام منجر شود، منحرف سازد و به غربی‌ها نیز نمایشی از پشتیبانی مردم از حکومت و شرایط عادی زیست در ایران را بفروشد. از نظر این گروه، همایون شجریان اصلاً هنرمند نیست و کار این ارکستر چیزی است شبیه نوازندگی ارکستر کشتی تایتانیک در هنگامه بر خورد کشتی با صخره‌های یخ. موضع اصولگرایان تندرو و شباهت برخی از استدلال‌ها و نتایج سخنان‌شان با اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز در این میان خواندنی است. برای نمونه قاسم‌ورانبخش، نماینده مردم قم و از اعضای جبهه پایداری هم این مجوز را اقدامی انحرافی برای کلاه‌گذاشتن سر مردم دانسته است و گفته در شرایطی که همه دغدغه مردم قطعی برق است، دولت این مشکل را رها کرده و رو به کارهای نمایشی آورده است: «دولت درگیر کارهای حاشیه‌ای مثل برگزاری کنسرتی در خیابان آزادی است تا مردم خوش باشند؛ این خوب است، اما مثل این است که بیماری را نمی‌توانند درمان کنند و بعدالای سرش موسیقی پخش می‌کنند تا دردش را فراموش کند و زمان به سرعت بگذرد. آیا راه‌حل مشکل مردم چنین چیزهایی است؟ چرا می‌خواهید سر مردم کلاه بگذارید؟ به جای این کارها از حقوق مردم دفاع کنید.»

همه چیز را ایدئولوژیک نکنید

چنین دیدگاه‌های منفی و بدبینانه‌ای البته مورد اعتراض برخی دیگر از مردم، حتی معترضان به جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته است. گروه اخیر می‌گویند، نباید به همه مسائل از درپچه ایدئولوژی مبارزه با حکومت یا نقد دولت مستقر نگریست؛ زیرا هر اتفاقی که اندکی بتواند حال هموطنان مان را بهتر کند و شور و شوق زندگی را پدید آورد، مفید است و قابل دفاع. از نظر این گروه، آنچه باید امیسوار بود در ادامه این برنامه محقق شود، اجرای کنسرت‌های خیابانی در سایر شهرهای ایران و برای جمعی کثیرتر است تا طعم شیرین تجربه همخوانی در فضای آزاد را ایرانیان نیز بچشند.

رضای خلق خدا را خوش است

در سوی مقابل اما اصلاح‌طلبان واکنش‌های مثبتی به این مجوز دارند. جدا از تحسین پذیرش حق قانونی اجرای چنین کنسرت‌هایی برخی از آنها، این اجرا را خدمت به مردمی دانسته‌اند که توان اقتصادی خرید بلیت کنسرت را ندارند. برای نمونه آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران، در توثیتی نوشته است: «در شرایطی که بسیاری از مردم توان خرید بلیت‌های گران کنسرت‌ها را ندارند، همایون شجریان می‌خواهد کنسرتی رایگان برگزار کند؛ پیشنهادی که سال‌ها پیش هم مطرح کرده بود. دلیل این حملات غیرمنصفانه علیه او چیست؟» او توثیت‌اش را نیز با این شعر به پایان رسانده است: «نه دل به دولت و تاج و نگین خوش است مرا/ رضای خلق خدا، همنشین خوش است مرا».

خوانندگان زن را فراموش نکنید

دایره تحلیل‌ها البته فراتر از این‌هاست. برخی نیز گفته‌اند در حالی که در ماه‌های اخیر با برخی خوانندگان زن در شبکه‌های مجازی بر خورد شده است، بهتر است نامداریانی چون همایون شجریان، همت خود را صرف دفاع از هم‌صنفان خویش کنند. این البته ایرادی است که در نشست درباره این کنسرت نیز ابراز شد و شجریان در پاسخ بدان به دیدار اخیرش با حجت‌الاسلام خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، اشاره کرد و گفت: «باید درباره موسیقی و خوانندگان زن به بررسی و گفت‌وگو بپردازیم. همچنین باید توجه داشت که اجرای زنان، فقط خواسته خوانندگان زن نیست، بلکه دغدغه مردمی است که مخاطب موسیقی هستند.» سخنی در ادامه همان حرفی که اسفندماه سال پیش نیز همایون شجریان بر آن تأکید کرده و گفته بود: «خوانندگی زنان بالاخره باید درست شود، زیرا نمی‌شود آن را نادیده گرفت.»

چهره

پدر علم فیزیک ایران

۱۲ شهریورماه ۳۳ سال پیش، محمود حسایی، ملقب به پدر علم فیزیک ایران، درگذشت. محمودخان میرزا حسایی در سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمد، اما سال‌های نخست زندگی‌اش را در دمشق سپری کرد و برای ادامه تحصیل به بیروت رفت. او نخستین ایرانی بود که دکترای فیزیک را از سوربن گرفت. حسایی با غول‌های علمی زمانه‌اش به گفت‌وگو می‌نشست؛ اما دلش برای ایران می‌تپید. او در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی انجام داد؛ تاسیس دانشکده فیزیک و ۴۰ سال تدریس در دانشگاه تهران، تاسیس مدارس و انجمن‌های علمی، حمایت از نهضت ملی ایران و دکتر مصدق از جمله اقدامات اوست. حسایی همچنین در دوره‌های ۱۴ و ۱۵ مجلس شورای ملی به‌عنوان نماینده مردم تهران حضور داشت و در دولت محمد مصدق هم به‌عنوان وزیر فرهنگ فعالیت کرد. دکتر حسایی در ۱۲ شهریورماه ۱۳۷۱، پس از عمری تلاش درگذشت و در تفرش به خاک سپرده شد، اما روح او همچون چراغی جاودان، در مسیر علم ایران می‌تابد.



کتابخانه

برشی از تحولات فکری غرب

نشر نی به‌تازگی کتاب «روشنگری، انقلاب و رمانتیسم» را به بازار ارائه کرده است. این کتاب را فردریک سسی بیزر نوشته و مسعود آذرفام به فارسی ترجمه کرده است. این اثر تصویری زنده و موجز از تحول فکری اروپا ارائه می‌دهد. نویسنده مباحث خود را درباره موضوعاتی مانند تولد عقل‌گرایی در عصر روشننگری تا ظهور جنبش رمانتیسم، تقابل عقل‌و احساس، پیشرفت و روح، آزادی و شور در فرهنگ و هنر غرب، در قالبی خواندنی و با بیانی روشن شرح می‌دهد. فیلسوفان آلمانی در دهه ۱۷۹۰ تحت‌تأثیر انقلاب فرانسه به مسائل سیاسی علاقه‌مند شدند و آثارشان را در این دوره، مستقیماً با غیرمستقیم، به این رویداد ارجاع دادند. فردریک سسی بیزر نیز در «روشنگری، انقلاب و رمانتیسم» واکنش‌های گوناگون و پیچیده متفکران آلمانی به انقلاب فرانسه را در طول یک‌دهه و از خلال بررسی دقیق و خلاقانه سه سنت لیبرالیسم، محافظه‌کار ی و رمانتیسم دنبال می‌کند. کتاب «روشنگری، انقلاب و رمانتیسم» با قیمت ۷۸۰ هزار تومان، برای علاقه‌مندان به مباحث پیدایش اندیشه سیاسی مدرن آلمانی (۱۸۰۰ تا ۱۷۹۰)، کتابی مفید و خواندنی است.

نام کتاب: روشنگری، انقلاب و رمانتیسم

نویسنده:

فردریک سی بیزر

مترجم: مسعود آذرفام

نشر: نی

تاریخ

تاسیس حزب دموکرات آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان، نام حزبی سیاسی است که در ۱۲ شهریورماه ۱۳۲۴ با اندیشه خودمختاری طلبی در تبریز اعلام موجودیت کرد. این حزب با انتشار بیانیه‌ای ۱۲ ماده‌ای، به رهبری جعفر پیشه‌وری و همراهی چندین فعال سیاسی آذربایجانی دیگر تشکیل شد. اختیارات گسترده‌تر محلی از لحاظ اداری، تدریس زبان ترکی در مدارس و اصلاحات ارضی و اقتصادی از جمله مهم‌ترین خواسته‌هایی بود که در توضیح اهداف و خواسته‌های این تشکل سیاسی عنوان شده بود. تأسیس این فرقه براساس تصمیم دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی انجام شد و فرقه، مورد حمایت مسکو قرار داشت. روز ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ مجلس ملی آذربایجان شروع به کار و پیشه‌وری را مامور تشکیل دولت ملی کرد. حکومت فرقه دموکرات آذربایجان اما به‌دلیل تعرض به تمامیت ارضی ایران، مورد انتقاد قرار گرفت. دکتر مصدق در نطقی پیرامون این موضوع گفت: «یک‌روزی در این مملکت علمدار آزادی انگلیس بود و سفارت انگلیس در این شهر حکم مسجد شده بود. امروز دولت شوروی علمدار آزادی شده، «پیشه‌وری اما پشتگر می‌فرقه به حمایت شوروی را تقلیدی از عملکرد مشروطه‌خواهان و امری ناگزیر می‌دانست.